

## قم و انقلاب مشروطه

دکتر علی اکبر خردی زاده<sup>۱</sup>

حمیرا شهرکی<sup>۲</sup>

### چکیده

قم به دلیل همجواری با مرکز دارالخلافه تهران، مامن و تبعیدگاه رجال سیاسی ایران در عصر قاجار به شمار می آمد و اگرچه به لحاظ سیاسی اهمیت چندانی نداشت، لیکن به سبب وجود حرم حضرت معصومه (س) و مرکزیت علمای شیعه، از جایگاه والایی برخوردار بود. بر این اساس، هنگام برپایی انقلاب مشروطه و مهاجرت علما به قم، آن شهر به کانون اصلی مبارزه بر ضد استبداد قاجار تبدیل گشت.

با حضور علما در قم، رفت و آمد رجال سیاسی و ارسال تلگراف های متعدد بین تهران و قم آغاز شد و شکایت اهالی شهر از جور و ستم عمده مالکان و قدرتمندان محلی و برخوردهای عامه مردم با عوامل استبداد - همچون متولی باشی - شدت یافت. برگزاری مراسم سخنرانی در حرم حضرت معصومه در اعتراض به ستمگری های حکومت قاجار نیز از اهم رویدادهای این دوره بود که در گسترش جنبش ضد استبدادی مردم ایران و برقراری نظام مشروطه نقش مؤثری ایفا کرد. پس از صدور فرمان مشروطیت نیز مردم قم، همانند بسیاری از ایالات و ولایات ایران، به مشارکت سیاسی خود ادامه دادند و پس از انتخاب وکیل خود در مجلس شورای ملی، دست به تشکیل چندین انجمن صنفی و سیاسی زدند که در تحولات سیاسی - اجتماعی آن شهر اثرات بسیار داشت.

واژگان کلیدی: قاجار، انقلاب مشروطه، قم، علما، شیعه، مهاجرت کبری.

۱. استادیار دانشگاه آزاد اسلامی واحد شهرری

۲. کارشناس ارشد تاریخ دانشگاه آزاد اسلامی واحد شهرری

انقلاب مشروطیت را می توان مهم ترین رویداد سیاسی تاریخ معاصر ایران نامید. تلاش گروه های گوناگون اجتماعی در برپایی نظام جدید سیاسی، کاهش خودکامگی و استقرار نظم و قانون در جامعه، و دیگر عوامل متعدد اجتماعی و پیش زمینه های تاریخی که در پیدایش این تحول جدید مؤثر بوده اند، از موضوع هایی است که همواره در میان علاقه مندان به تاریخ سیاسی معاصر ایران مطرح بوده است. در طی انقلاب مشروطه، قم همانند سایر شهرهای ایران دستخوش تحولات وسیع سیاسی - اجتماعی شد. یکی از رویدادهای مهم این دوره مهاجرت گروهی از علما، تجار و عامه مردم به آن شهر بود که در تداوم انقلاب و صدور فرمان مشروطیت نقش مؤثری داشت. بدون تردید، موقعیت جغرافیایی قم و جایگاه مذهبی آن شهر به عنوان کانون اصلی تشیع، در پیدایش این رویداد تاریخی نقش اساسی داشته است که در مقاله حاضر بدان پرداخته خواهد شد.

## قم و مشروطیت

در زمان مظفرالدین شاه، قم چندان مورد توجه حکومت قاجار قرار نداشت. مظفرالدین شاه در دوره سلطنت خود چند بار از آن شهر دیدار کرد، لیکن تنها پیش از سفر وی به آنجا بود که مأموران دولت نسبت به تسطیح و ترمیم جاده، قم - تهران و نظافت و عمران شهر اهتمام ورزیدند. شاه برخی از رجال سیاسی را به قم تبعید کرد که از جمله آنان امین السلطان بود که حدود ۲۲ ماه در آن شهر به سر برد. ماجرا از این قرار بود که امین السلطان، پس از رسیدن به صدارت، شاه را چند بار به اروپا برد؛ ولی برخی از روحانیان به علت وابسته بودنش به روس ها و دادن چند امتیاز اقتصادی به آن کشور، او را تکفیر نمودند و رسماً نوکر اجانب شمردند و شاه او را از صدارت عزل کرد (فرمانفرمائی، ۱۳۷۰: ۳/۲۷۱؛ ملک زاده، ۱۳۶۳: ۲۱۸). اتابک در روز ۱۷ جمادی الاول ۱۳۱۴ ه. ق/ ۱۳ آبان ۱۲۷۵ ه. ش از صدارت و تمام مناصب

خود معزول شد و به قم تبعید گردید (صفایی، ۱۳۸۱: ۴۳۹؛ تهرانی، ۱۳۷۹: ۷۸). ملک زاده می نویسد میرزا علی اصغر خان اتابک، پس از انفصالش از صدارت، به علّت پشتیبانی روس ها و طرفداران زیادی که در میان روحانیان داشت، و به دلیل ملایمت طبع مظفرالدین شاه، بدون اندیشه به قم رفت و در خانه مجللی که در آن شهر داشت، سکنا گزید و آزادانه به بذل و بخشش و تحریک و تشجیع طرفداران خود بر ضد امین الدوله پرداخت. او در این مدت ایوان آئینه را بنا کرد و صحن جدید را، که پدرش نیمه تمام گذاشته بود، تکمیل نمود و گلدسته های ایوان آئینه را، که از بزرگ ترین گلدسته های آستانه مقدسه و با ارتفاع ۴۲/۸۰ متر می باشد، ساخت (ملک زاده، همان: ۲۱۷).

قبل از مهاجرت کبری، عین الدوله به نیرالدوله، حاکم تهران، دستور داد که سید جمال، یکی از ناطقان معروف تهران، را برای ماه محرم به قم تبعید کند؛ چه، مذاکرات او باعث فتنه و آشوب خواهد گردید. عین الدوله، وساطت شیخ مهدی واعظ را از طرف بهبهانی، برای صرف نظر کردن از تبعید سید جمال، پذیرفت ولی قول داد پس از عاشورا وی را به تهران بازگرداند و یک هزار تومان پول (ناظم الاسلام کرمانی، ۱۳۶۳: ۲/۳۷۳؛ کسروی، ۱۳۷۰: ۷۷).<sup>۱</sup> و کالسکه در اختیار سید گذاشت، اما سید نپذیرفت (صفایی، همان: ۶۶۷؛ ناظم الاسلام کرمانی، همان: ۲/۳۷۳؛ تهرانی، همان: ۱۵۹). هفتاد تومان پول قرض کرد و روز دوشنبه سیّم بهمن ۱۲۸۴ شمسی / ۲۶ ذی الحجه ۱۳۲۳، به اتفاق میرزا محمدعلی (جمال زاده) و یک نوکر به سوی قم رهسپار شد. شیخ مهدی واعظ و چند طلبه تا بیرون دروازه حضرت عبدالعظیم او را بدرقه

۱. عین الدوله قسم خورد: اگر سید جمال خودش نرود او را می کشم. اما اگر به خوبی خودش رفت، قول می دهم که بعد از عاشورا او را معاونت بدهم و شخص اعلیحضرت همایونی هزار تومان مرحمت می کند، برای جبران ضرر آقا سید.

کردند. دو شب در راه بود. روز چهارشنبه وارد قم شد. مردم و علمای قم از سید جمال استقبال شایانی نمودند. علمای قم نهایت احترام و پذیرایی را درباره او به جا آوردند. خصوصاً جناب آقا سید عبدالله مجتهد قمی، که بیش از دیگران با سید همراه بود، و دهه عاشورا را در قم می بود (صفایی، همان: ۶۶۷؛ کسروی، همان: ۷۸-۷۷). سید جمال ایام عاشورا را در قم به حال انزوا گذراند. تنها دو شب به منبر رفت، ولی بیانات او از بحث مذهبی و ذکر مصیبت تجاوز نکرد و اعتضاد الدوله، حاکم قم، در حق سید اکرام و احسان می نمود (همان جا). در تاریخ بیداری ایرانیان اشاره می شود: آقا سید جمال در ایام عاشورا جایی منبر نرفت و هرکس هم از او دعوت نمود، قبول نکرد و با احدی مراوده نداشت، مگر با آقا میرزا محمدخان لسان الملک، رئیس تلگراف خانه قم، که مشارالیه نسبت به سید همراه بود. آن هم برای سفارشی بود که سرّاً از طرف انجمن مخفی به مشارالیه شده بود، که از معاونت مالی و غیره درباره سید دریغ نفرمود (ناظم الاسلام کرمانی، همان: ۲/۳۷۴).

اهمیت ندادن به خواسته های مهاجران متحصن در حرم حضرت عبدالعظیم توسط عین الدوله صدراعظم مستبد مظفرالدین شاه، موجب اعتراض علما به شاه و درگیری بین مردم و سربازان شد، که در این درگیری طلبه ای جوان کشته شد. علما برای رساندن ندای مخالفت خود به گوش تمام ملت و دیگر مراجع، تصمیم گرفتند به قم مهاجرت کنند. رهبری مهاجران را سید محمد طباطبایی و سید عبدالله بهبهانی به عهده داشتند. شیخ فضل الله نوری با عده زیادی از همراهان، در حسن آباد به مهاجران ملحق شد. با ورود مهاجران به علی آباد، از تهران خبر رسید که عین الدوله عده ای سوار و سرباز را مأمور کرده است که خود را به مهاجران برسانند و همگی را دستگیر کنند و به نقاط دور دست بفرستند. این خبر که صحت آن مسلم نبود، اضطراب زیادی میان مهاجران به وجود آورد و با عجله و بدون آن که در علی آباد رفع خستگی کنند،

راه قم را درپیش گرفتند و خود را در روز شنبه بیست و هشتم جمادی الاولی ۱۳۲۴ه.ق/۳۰ تیر ۱۲۸۵ه.ش به قم رساندند و در حرم حضرت معصومه (س) متحصن شدند. با ورود مشروطه خواهان، قم به مرکز فعالیت سیاسی تبدیل شد. «مهاجرین که تعداد آنها تا هزار نفر برآورد می شد، در خانه های اطراف حرم مطهر و صحن بزرگ و مدارس مجاور منزل گزیدند. گرچه امیربهادر جنگ (وزیر جنگ)، مشروطه خواهان مهاجر را تهدید کرده بود، ولی مظفرالدین شاه دستور داد از مهاجرین در قم خوب نگهداری و پذیرایی کنند و عضدالملک، رئیس ایل قاجار، را مأمور بازگرداندن آنها به تهران کرده بود» (ناظم الاسلام کرمانی، همان: ۲/۴۶۰).

مدت مهاجرت علما در قم حدود سی و دو روز طول کشید (تهرانی، همان: ۲۰۸). مهاجران در قم، «صبحها به دید و بازدید، بحث در اطراف وقایع، خواندن تلگرافات و مکاتیب که از تهران و شهرستان ها می رسید، و ملاقات اشخاص تازه وارد، می گذرانیدند؛ و عصرها همگی در صحن بزرگ جمع می شدند و ملک المتکلمین و سید جمال الدین واعظ منبر می رفتند و از منافع مشروطیت و حقوق حقه ملت سخن می گفتند و مردم را به پایداری تشویق می کردند» (ملک زاده، همان: ۳۶۵). شهر قم در مدت حضور مهاجران، «از یک طرف، یکپارچه شور و شوق و آماده قیام علیه استبداد بود. از طرف دیگر، همانند دیگر شهرها از جمله کرمانشاه و اصفهان، در نا آرامی و اغتشاش به سر می برد.

هاشم محیط مافی در این باره می نویسد: «بعد از ورود علما به قم، آقایان قم در مقام پذیرایی برآمدند. مخصوصاً آقا سید عبدالله قمی، که در ظاهر و باطن با علمای تهران همزبان بود. در این ایام در قم صدا و ندای مشروطیت شنیده می شد. اما تا تهران بودند، فقط ذکر عدالتخانه بود. علمای تهران روزی چند در قم به سر بردند. شور و همهمه در خلق تهران پدیدار گردید. با یکدیگر می گفتند علمای ما که به قم

مهاجرت کرده اند؛ طرفیت عین الدوله هم با ما آشکار است. عن قریب هزاران اسباب چینی برای ما خواهد کرد. حال که کشتی ملت دچار گرداب فتنه گشته، راهی جویم و خود را از غرق نجات دهیم» ( محیط مافی، همان: ۱/۹۴).

ناظم الاسلام کرمانی حوادث بعد از مهاجرت علما به قم و موج ناشی از این مهاجرت را چنین ترسیم می کند: «۶ جمادی الثانی (۱۳۲۴)، جمیع دکاکین و سراها بسته شد. مردم در سفارت، بیش از گذشته اجتماع دارند. از تبریز تلگراف ها رسیده به حمایت از علمای مهاجر؛ در هفتم (جمادی الثانی)... قاصد علما از قم آمده که اطراف قم را قزاق ها محاصره کرده اند. سید جمال در قم موعظه می کند. مردم جمع شده اند که حاکم ما معتمدخان گندم را جلو گرفته است و با قیمت گران به خباز می دهد. آقا هم در بالای منبر گفته است تقصیر از خود شماست. قبول ظلم نکنید. لذا مردم اجتماع نموده و بر حاکم خود شوریده حاکم هم متوسل به آقایان شده، آقایان اصلاح نموده و بنا شد گندم را به قیمت مناسب به مردم بدهند و شروع به دادن گندم به خبازها نمود ( نجمی، ۱۳۷۷: ۱۱۲-۱۱۰؛ ناظم الاسلام کرمانی، همان: ۵۳۷) و نیز متولی باشی در شب گذشته چراغ های حرم و صحن را در یک ساعت از شب خاموش نمود و مانع شد از اینکه مردم در صحن بمانند و این توهینی بزرگ بود که بر آقایان وارد آمد (همان جا). در این روز آقا میرزا سید محمد صادق طباطبایی با جمعی از محترمین و تجار رفتند به تلگراف خانه و تا ظهر مشغول مخابره با آقایان مهاجران مخالف عین الدوله (به قم) بودند».

نکته جالب توجه آن که میرزا مهدی، فرزند آیت الله شیخ فضل الله نوری، در مدت اقامت مهاجران، که حدود ۲۵ روز طول کشید، «به طلاب و دیگر مهاجرین در صحن مقدس حضرت معصومه علیها السلام آموزش مشق می داد» (همان: ۴۸۳).

با طولانی شدن مدت اقامت مهاجران در قم، و همچنین وجود ناآرامی در تهران و افزایش تعداد متحصنان در سفارت انگلستان، شاه قاجار که موقعیت خود را در خطر می دید (مخبرالسلطنه هدایت، ۱۳۷۵: ۳۵۷)، عین الدوله مانند سابق کوشید تا می تواند در برابر خواسته های آنان مقاومت کند، اما در ۷ جمادی الثانی ۱۳۲۴ ه.ق/ ۲۹ ژانویه ۱۹۰۶ م، خود را ناگزیر به استعفا یافت، و یک هفته بعد فرمان برگزاری مجلس صادر شد (الگار، ۱۳۶۹: ۳۶۹). در هشتم جمادی الثانی ۱۳۲۴ سیف الدین میرزا، مدیر توپخانه، به قم رفت و پس از دیدار با علمای مهاجر و خبر عزل عین الدوله از صدرات و انتصاب مشیر الدوله را داد (زرین کوب، ۱۳۸۰: ۱۸). یک روز پس از صدور فرمان تشکیل مجلس، به دستور شاه، مستشارالملک و سپس حاجی نظام الدوله همراه چند تن از دولتمردان برای بازگرداندن روحانیان رهسپار قم شدند. روز دیگر نیز عضدالملک (رئیس ایل قاجار) از سوی شاه به همین منظور روانه قم گردید. شاه به بهبهانی و طباطبایی و دیگر سران مهاجر تلگراف کرد و از آنان خواست همراه عضدالملک به تهران بازگردند.

پس از رفتن عضدالملک و حاجی نظام الدوله به قم، از سوی آقایان میرزا صادق طباطبایی (پسر سید محمد طباطبایی) و سید علاءالدین بهبهانی (داماد سید عبدالله بهبهانی) و سید مطهر، به تهران آمدند، نخست در سفارت از سران بستی ها دیدن کردند و پیغام آقایان مهاجر را رساندند، سپس در کاخ صاحبقرانیه با کامران میرزا، وزیر جنگ و برادر شاه) و مشیر الدوله (صدر اعظم) دیدار کردند و پیغام آقایان را اعلام نمودند. آقایان بازگشت به تهران را موکول به انجام این شرط ها نمودند:

۱. اطمینان بر تأسیس مجلس؛

۲. امنیت و عفو عمومی کلیه پناهندگان؛

۳. نیامدن عین الدوله به تهران؛

۴. بازگرداندن چند واعظ تبعید شده به تهران؛
۵. راضی کردن ورثه مقتولان حادثه مسجد جامع و دادن "دیه" به ورثه هریک از آنان.
۶. گرفتن قبوض بروات دولتی از صراف ها و پرداخت طلب هر یک از آنان (دفتر سیاسی و بین المللی، ۱۳۷۰: ۱۷۴-۱۷۳).

کامران میرزا و مشیرالدوله این پیشنهادها را به شاه گزارش دادند. شاه این درخواست ها را پذیرفت و دستخط دیگری در تکمیل دستخط سابق هم نوشت و به صدراعظم در تأسیس مجلس و تنظیم نظامنامه دستور تسریع داد (ناظم الاسلام کرمانی، همان: ۵۶۵-۱/۵۶۱). پس از این دیدارها، سید محمد صادق طباطبایی و سید علاءالدین بهبهانی روز هفدهم جمادی الثانی تلگراف حضوری را با قم آغاز کردند و گفتگوها را به اطلاع طباطبایی و بهبهانی و دیگر آقایان رساندند و آقایان به بستی های سفارت انگلیس پیغام ترک تحصن دادند. روز نوزدهم جمادی الثانی بسیاری از پناهندگان از سفارت انگلیس خارج شدند و بازارها باز شد، ولی سید و شصت نفر از متحصنان در سفارت ماندند و گفتند: تا سفارت انگلیس اجرای دستخط شاه را ضمانت نکند و آقایان علما از قم مراجعت ننمایند، سفارت را ترک نخواهند کرد.

با اعطای مشروطه و موافقت شاه با خواسته های مهاجران، آنان آماده بازگشت به تهران شدند. شیخ فضل الله نوری روز بیستم جمادی الثانی از قم به کهریزک حرکت کرد و آقایان دیگر روز بیست و سوم جمادی الثانی وارد کهریزک شدند. در آنجا گروهی از مردم به پیشواز رفته بودند. عضدالملک و حاجی نظام الدوله، پس از رساندن آقایان به تهران، نزد شاه رفتند و گزارش کار و مأموریت خود و لزوم تسریع در افتتاح مجلس را به اطلاع رساندند (دفتر سیاسی و بین المللی، همان: ۱۷۵).



## نقش علمای قم در مشروطه

در آغاز انقلاب مشروطه، رهبران مشروطه به چند طریق مردم را تهییج می کردند: سخنرانی، شب نامه نویسی، تشکیل انجمن، انتشار روزنامه، و سپس تشکیل حزب اجتماعیون؛ نیز با چاپ روزنامه و شب نامه های تند خود همین نقش را ایفا می کردند. علما و وعاظ نیز در آگاه ساختن و تهییج مردم از طریق سخنرانی نقش مؤثر داشتند. کسروی چون اصولاً به اقشار پایین جامعه توجه داشت، به نقش وعاظ نیز دقت کرده، ولی معتقد است که بسیاری از آنان گاه معنی مشروطه را نمی دانستند (اتحادیه، ۱۳۷۵: ۱۶۳). گروه ها و دسته های مختلف علما و طلاب قم در مشروطه نقش مؤثری داشتند، که عبارت بودند از:

۱. گروه استادان مشهور. چند تن از مجتهدان صاحب فتوا و رساله قم در این حرکت اجتماعی حضور داشتند.

۲. خطیبان و سخنوران. این گروه، در نهضت مشروطه در بین علمای قم پیشاهنگ بودند و اثر گذارترین نقش را ایفا نمودند. آنان آرمان ها، آرزوها، هدف ها و برنامه های نهضت و نهضت آفرینان را با زبان بسیار ساده و در خور فهم همگان، با برابر سازی با سیره معصومان و آیات و روایات، برای مردم بازگو می کردند و پرده از زشت کاری ها و نیرنگ های استبداد بر می داشتند (حوزه، ش ۱۱۱: ۱۱۰-۱۱۱).

۳. فاضلان و شاگردان مدرسه های علمیه. فاضلان قم نیز به عنوان سربازانی همدوش تهرانی ها بودند (حوزه، ش ۱۱۸ - ۱۱۷: ۲۰۵ - ۲۰۰).

دسته های مختلف علما و طلاب قم همدوش علمای تهران و شهرهای بزرگ ایران به طرق گوناگونی در انقلاب مشروطیت ایفای نقش نمودند. به هنگام مهاجرت کبری، بسیاری از علمای قم، که در سال های گذشته به تهران رفته بودند، و در حوزه علمیه

تهران علیه استبداد قیام ها و شورش ها کرده بودند، به همراه طلاب، علما و مراجع بزرگ تهران، به قم بازگشتند و در آنجا، به مبارزه علیه استبداد ادامه دادند. شیخ فضل الله نوری، شیخ علی اکبر بروجردی، تمام خاندان طباطبایی از جمله سید اسدالله طباطبایی، سید محمد صادق طباطبایی، شیخ محمد رضا استرآبادی، شیخ محمد صادق کاشانی، سید حسین قمی، سید علی یزدی، میرزا حسن طباطبایی، معین العلماء، میرزا ابوالحسن شعرانی، میرزا طاهر تنکابنی، میرزا محمود قمی و دیگران از هجرت کنندگان بودند (همان: ۳۳۰ - ۳۲۶).

ناظم الاسلام کرمانی می نویسد: «حرکت حاج شیخ فضل الله از بین علما، امر آقایان را قوت داد، چه مراتب علمیه او، از دیگران بهتر و سلوکش نسبت به طلاب و اهل علم، از دیگران خوشتر بود» (ناظم الاسلام کرمانی، همان: ۴۸۱ - ۴۷۹). علمای مهاجر به قم، به آگاهی بخشی ادامه دادند. واعظان در این اجتماع بزرگ، همه روزه در حرم حضرت معصومه (س) درباره آینده مبارزه برای مردم سخن می گفتند. گروهی طلاب خود را برای روزهای سخت آماده می کردند و به مشق و تعلیم فنون نظامی می پرداختند (همان: ۵۶۶ - ۱/۵۶۵). علما در قم بر خواسته های خود، از جمله تدوین قانون اساسی، نظام مند شدن برنامه ها، بنیان گذاردن مجلس شورا، مجازات ستمکاران، اصلاح و سازمان بخشی مملکت و مساوات در مجازات ها بر طبق اسلام تأکید کردند.

نامه علمای قم به مظفرالدین شاه، نشانه تأثیر قم در انقلاب مشروطیت است: «... امر و اجازه سنیه ملوکانه صادر شود، به تشکیل و تأسیس مجلس که اعضای آن مرکب باشد از جمعی از وزرا و امنای بزرگ دولت، که در امور مملکت با ربط و از اغراض نفسانی بری باشند و جمعی از تجار محترم که در صناعت و تجارت با اطلاع و از مصالح امور دولت و ملت مستحضر و برای مشاورت صالح باشند و چند نفر از

منتخبین علماء عاملین که بی غرض و با بصیرت باشند و جمعی از عقلاء و فضلاء و اشراف و اهل بصیرت و اطلاع. و این مجلس، عدالت مظفریه که مرکب از امناء پادشاه اسلام، که پدر رئوف و خیرخواه است، حاکم و ناظر بر تمام ادارات دولتی و مراتب انتظام و اصلاح مملکتی، از تعیین حدود و وظائف و تشخیص دستور و تکالیف تمام دوائر مملکت و اصلاح نقائص امور داخله و خارجه و مالیه و بلدیّه و تعیین حدود و احکام اولیاء امور ملکیه و مهام خلقیه و منع ارتکاب منهیات و منکرات الهیه و امر به معروف و واجبات شرعیه و ترتیب مقاولات و مقابلات و معاملات داخله با خارجه، به میزان احکام شرعیه و تحریر فصول و ابواب و ترتیب کتابچه و اوراق آنها و به وسیله نظارت و اهتمام و مراقبت این مجلس مظفریه به تمام حدود و حقوق و تکالیف عموم طبقات و محفوظ احقاق حقوق ملهوفین و مجازات ظالمین و اصلاح امور مسلمین بر طبق قانون مقدّس و احکام متقن شرع مطاع، که قانون رسمی و سلطنتی مملکت است، معلوم و مجری شود...» (ناظم الاسلام کرمانی، همان: ۱/۵۴۷). پس از آن که مظفرالدین شاه مشروطه را پذیرفت و به تشکیل مجلس، تن داد، گروه های گوناگون مردم، به ویژه اهل فکر و اندیشه، سازمان ها و گروه های سیاسی، برای فرستادن نماینده به مجلس و نیز نوشتن نظامنامه اساسی (قانون اساسی) دست به کار شدند. در بین علما و طلاب قم و تهران نیز رایزنی ها شدت گرفت و برای این هدف جلساتی تشکیل شد و خواستار مشارکت در نوشتن نظامنامه شدند و درباره سر فصل های مهم قانون اساسی گفتگو شد (همان: ۵۷۲ - ۱/۵۷۱). از جمله گزاره های مورد بحث، قانون های مالیات بود که گفته شد: «باید قوانین مالیات را بر طبق قانون اسلام، کتابچه و مدون کرد و قانون اسلام را اجرا نمود» (آقا بزرگ تهرانی، ۱۴۰۴ه.ق: ۲۴۳ - ۱/۲۳۹). از جمله، عالمان دینی حوزه قم و تهران با حضور سید محمد طباطبایی، درباره نظامنامه مجلس، به بحث و کند و کاو پرداختند (ناظم الاسلام کرمانی، همان: ۱/۵۷۷). سید عبد الله بهبهانی با آن که سخت بیمار بود، در این جلسه

ها شرکت می کرد. تلاش علما در گزینش صحیح نمایندگان و این که مجلس را باید اسلامی نگه دارند، در این همنشینی ها و جلسات مشهود بود. تلاش ها و کوشش های سید عبد الله بهبهانی و سید محمد طباطبایی، که در این مسیر از پذیرش نمایندگی مجلس شورا سرباز نزدند. این دو از کوشاترین نمایندگان مجلس بودند و مردم شهرها برای رفع گرفتاری خود از آنان کمک می خواستند (روزنامه مجلس، ش ۳، ۱۱۱؛ همان، ش ۱۵۹، ۱۸-۱۶). یکی از دستاوردهای مهم این انقلاب مشروطه، تشکیل انجمن های ایالتی و ولایتی و انجمن های سیاسی و صنفی بود. در این هنگام که در ایالات و ولایات مختلف کشور انجمن های متعددی تشکیل شده بود، در قم نیز حدود ده انجمن سیاسی و صنفی فعالیت داشت (حبل المتین، س ۲، ش ۳۱). یکی از این انجمن ها، انجمن اتحادیه طلاب قم بود که علاوه بر فعالیت های سیاسی در قم، مذاکرات مجلس را نیز دنبال می کرد. برخی از اعضای این انجمن در مجلس شورای ملی حضور می یافتند و سخنان وکلا را دنبال می کردند و پیشنهادهایی به نمایندگان ارائه می دادند (روزنامه مجلس، ش ۶۹، ۲-۱). نفوذ این انجمن در میان علما و مجلس سبب شد که مردم شهرستان ها، عریضه های خود را به این انجمن بنویسند و در رفع گرفتاری ها، از آنها یاری بخواهند (همان، ش ۱، ۱۴۰).

بعد از پیروزی انقلاب مشروطه، بین علما در مورد مفاهیم مشروطه و حد و حدود آن اختلافاتی ایجاد شد و علما به دو گروه مشروطه خواه و مشروعه خواه تقسیم شدند. جنگ مشروعه و مشروطه که بر سر مشروطیت ایران در گرفته بود، بحران تجدد را هم در ایران به نمایش می گذاشت (آجودانی، ۱۳۸۲: ۳۸۵). در این میان، هریک از دو گروه در دفاع از مشروطه یا رد آن، رساله هایی نوشتند (زرگری نژاد، ۱۳۷۴: ۲۱-۱۵). تعدادی از علمای قم با تلگراف های مکرر، از مشروطه خواهان، و تعدادی از مشروعه خواهان حمایت می کردند (ملک زاده، همان: ۸۹۰ - ۴/۸۸۵).

## نتیجه گیری

تاریخ شهر قم، نشانگر آن است که این شهر در دوره انقلاب مشروطه، مهم ترین شهر مذهبی و پایگاه مهاجران کبرا در نزدیکی دارالخلافه تهران بوده است و از این رو، به موازات اوج گیری جنبش مشروطه به عنوان مرکز مشاوره، بحث و مجادله مشروطه خواهی، نقش مهمی ایفا نمود. علمای مهاجر به قم، به آگاهی بخشی ادامه دادند و با همراهی و مهاجرت علمای دیگر شهرستان ها با آنان، ائتلافی از علمای شیعه بر ضد استبداد شکل گرفت. واعظان در این اجتماع بزرگ، همه روزه در حرم حضرت معصومه (س) درباره آینده مبارزه برای مردم سخن می گفتند. بست نشینی حربه ای بود که در آن برهه برای آگاهی بخشی به مردم و به تنگنا افکندن استبداد، کارایی داشت. نقش تأثیر گذار قم در جریان مشروطیت، همگام با حرکت ضد استبدادی مردم تهران، بر کسی پوشیده نیست. به هنگام مهاجرت کبری، علما در قم بر خواسته های خود، از جمله تدوین قانون اساسی، نظام مند شدن برنامه ها، بنیان گذاردن مجلس شورا، مجازات ستمکاران، اصلاح و سازمان بخشی مملکت و مساوات در مجازات ها بر طبق اسلام تأکید کردند و در تحولات سیاسی عصر مشروطه، به ویژه مجادلات مشروعه خواهی و مشروطه طلبی و رویدادهای پس از آن، نقش مؤثری داشتند.

## کتابنامه

۱. آجودانی، ماشاءالله. ۱۳۸۲، *مشروطه ایرانی*، تهران، اختران، چ ۱.
۲. آقا بزرگ تهرانی. ۱۴۰۴ ه.ق، *طبقات اعلام الشیعه (نقباء البشر)*، مشهد، دارالمرتضی للنشر، ۲ ج.
۳. اتحادیه (نظام مافی)، منصوره. ۱۳۷۵، *مجلس و انتخابات از مشروطه تا پایان قاجاریه*، تهران، نشر تاریخ ایران.
۴. آلگار، حامد. ۱۳۶۹، *دین و دولت در ایران (نقش علما در دوره قاجار)*، ترجمه ابوالقاسم سّری، تهران، توس.
۵. تهرانی (کاتوزیان)، محمدعلی همایون. ۱۳۷۹، *مشاهدات و تحلیل اجتماعی و سیاسی از تاریخ انقلاب مشروطیت ایران*، تهران، انتشار، چ ۱.
۶. روزنامه جبل المتین، س ۲، ش ۳۱ و ۳۵، (۲۴ ربیع الثانی ۷ - ۱۳۲۶).
۷. روزنامه مجلس، ش ۱۱۱، ۱۴۰ و ۱۵۹.
۸. زرگری نژاد، غلامحسین. ۱۳۷۴، *رسائل مشروطیت (هیجده رساله و لایحه درباره مشروطیت)*، تهران، کویر.
۹. زرین کوب عبدالحسین و روزبه زرین کوب. ۱۳۸۰، *دو رساله درباره انقلاب مشروطیت ایران از ابوالقاسم خان ناصر الملک و محمد آقا ایروانی*، تهران، سازمان اسناد ملی ایران، چ ۱.
۱۰. صفایی، ابراهیم. ۱۳۸۱، *تاریخ مشروطیت به روایت اسناد*، تهران، ایران یاران.
۱۱. فرمانفرمائیان، حسین. ۱۳۷۰، *خاطرات سیاسی امین الدوله*، تهران، امیرکبیر، چ ۳.
۱۲. کسروی، احمد. ۱۳۷۰، *تاریخ مشروطه ایران*، تهران، امیرکبیر، چ ۱۶.
۱۳. *مجلات حوزه*، حوزه علمیه قم، ش ۱۱۱، ۱۱۷ و ۱۱۸.

۱۴. محیط مافی، هاشم. ۱۳۶۳، *تاریخ انقلاب ایران*، به کوشش مجید تفرشی و جواد جان فدا، تهران، فردوسی، ج ۱.
۱۵. ملک زاده، مهدی. ۱۳۶۳، *تاریخ انقلاب مشروطیت ایران*، تهران، علمی، چ ۲.
۱۶. ناظم الاسلام کرمانی، محمد. ۱۳۶۲، *تاریخ بیداری ایرانیان*، به کوشش علی اکبر سعیدی سیرجانی، تهران، آگاه و نوین، ج ۱ الی ۵.
۱۷. نجمی، ناصر. ۱۳۷۷، *محمدعلی شاه و مشروطیت*، تهران، زریاب.
۱۸. *نهضت مشروطه ایران بر پایه اسناد وزارت امور خارجه*، ۱۳۷۰، تهران، دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی، واحد نشر اسناد، چ ۱.
۱۹. هدایت مخبرالسلطنه، مهدی قلی. ۱۳۷۵، *خاطرات و خطرات توشه ای از تاریخ شش پادشاه*، تهران، زوار.